

سعیده جان سلام
چپام آقای سامع در ادامه آمده است.

خانم سعیده نادری
با سلام... امیدوارم گردش روزگار به جهت مثبت پیش رود
در ابتدا باید به اطلاع شما برسانم که دولت عراق به هزاران شکل از حل این مساله جلوگیری می کنه
هنوز همه کسانی که باید به آلبانی و آلمان می رفتند را عراق اجازه نداده. بهانه های مختلف هم میاره
بنابراین من نمی دونم که آیا سیامک جزو بیست بوده یا نه؟ البته این را بدانید که آلبانی هم گفته که قابل قبول نیست که
شما همه 250 نفر را بیمار انتخاب کنید و بنابراین خودش هم وارد شده برای انتخاب

این برای اطلاع شما بود
اما نکته ای در نوشته ی شما وجود داره که به نظرم باید براتون توضیح بدم
این نکته در مورد خودم هست... من نمی دونم شما چگونه فکر می کنید که من می تونم این مساله را حل کنم... من نه
مجاهد هستم و نه در امور مربوط به آنها... چه افراد و چه کل تشکیلات دخالت می کنم... در مورد این ارتباطات دو مورد
اخیر هم پیغام بر بودم... برای خیلی های دیگه هم همین کار را کردم... پیغام خانواده برخی از آنها را از طریق کسی که در
اختیار دارم به اطلاع آنها رساندم... و این در حالی بوده که با هیچ کدام از پیغام گیرها... برای مثال سیامک... ارتباط
مستقیم نداشتم....
تازه شما با تاکید می گوئید که سیامک هم نباید مطلع شود...
بنابراین من هرچه فکر کردم نتونستم دریابم که چگونه می توانم در عمل و نه قول در هوا... جواب مثبت به شما بدهم... شما
خودتان چه پیشنهاد عملی دارید....

اما در مورد دستنوشته ها شانس آورده که تا حالا و طی این ده سال در حملات گوناگون و بازرسیهای متعدد نابود نشده
اگر شما و سیامک صلاح می دانید... می تونید در تماس آینده به او بگوئید همه را برای من ارسال کند... البته از طریق کسی
که در این فاصله به خارج اعزام می شود...
من چون جزئیات را نمی دانم نمی تونم راه حلی برای دستنوشته ها هم مطرح کنم... و البته نمی دانم بدون اطلاع و توافق
سیامک چه راه حلی عملی هست؟؟ لطفن اگر چیزی به نظرتان می رسه مطرح کنید... با هم مشورت می کنیم و در صورت
صلاح دید شما.. من بازهم وظیفه پیغام رساندن را انجام می دم
براتون ارزوی موفقیت می کنم
با احترام و با مهر
مهدی سام